

نگاهی به بخش پاپ دوره‌های اخیر جشنواره موسیقی فجر

# رسمیت ردپای مافیا



سید مهدی موسوی تبار

روزنامه‌نگار

شاید کمتر کسی یادش باشد که «جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر» فعلی که به دوره‌سی و پنجم رسیده تا سال ۶۸ با نام «جشنواره سراسری سرود و آهنگ‌های انقلابی» برگزار می‌شد. این جشنواره از این جنس تغییرات به خودش زیاد دیده است. کم و زیاد کردن بخش‌های جشنواره به اقتضای حضور مدیران مختلف در ادوار مختلف پدیده‌ای تازه نبوده و نیست. یکی از این تغییرات به سال ۸۶ و دوره بیست و سوم این جشنواره برمی‌گردد، جایی که کامییز روشن‌رزان، دبیر وقت جشنواره از اضافه شدن بخش موسیقی پاپ به بخش‌های دیگر جشنواره موسیقی فجر خبر داد و در همان وقت

بخش پاپ دوره سی و یکم	
۱۸:۱۵	محمد علیزاده
۲۱:۰۰	محمد علیزاده
۱۸:۱۵	گروه مستان پرواز همای
۲۱:۰۰	گروه مستان پرواز همای
۱۸:۱۵	کاوه یغمایی
۲۱:۰۰	کاوه یغمایی
۱۸:۱۵	سیروان خسروی
۲۱:۰۰	سیروان خسروی
۱۸:۱۵	محسن یگانه
۲۱:۰۰	احسان خواجه‌امیری
۱۸:۱۵	مازیار فلاحی
۲۱:۰۰	گروه رستاک
۱۸:۱۵	بابک جهانبخش
۲۱:۰۰	گروه هفت

با اشاره به توجه ویژه‌ای که به موسیقی پاپ در جشنواره شده از حضور قطعی خشیار اعتمادی، حمید عسگری، مانی رهنما، گلسترخی، مجتبی کبیری، علی لهراسی و گروه آریان در بخش رقابتی خبر داده بود؛ چهره‌های جوان و البته محبوبی که از اواخر دهه ۷۰ وارد بازار موسیقی شدند و مختصات دنیای موسیقی ایران را دچار تغییر کرده بودند. حالا و بعد از گذشت ۱۲ سال از اضافه شدن بخش پاپ به جشنواره در شرایط بهتری می‌توان این حضور را تحلیل و بررسی کرد. البته پیش از پرداختن به موسیقی پاپ باید همچنان به سوال مهم و قدیمی منتقدان و اهالی رسانه پاسخ داده شود که اساسا جشنواره موسیقی فجر چه کارکردی دارد و قرار است چه اهدافی را دنبال کند. عدم تأثیرگذاری جشنواره موسیقی فجر بر مناسبات اقتصادی موسیقی ایران ضعف دیگر این جشنواره است. در واقع اگر یک خواننده آلبوم، موسیقی‌اش را در جشنواره موسیقی فجر رونمایی کند، هیچ تبلیغ گسترده و موثری در راستای افزایش فروش آلبوم او نمی‌شود، حال آنکه رونمایی از یک فیلم در جشنواره فیلم فجر و استقبال عمومی می‌تواند به آکران عمومی موفق منجر شود. به‌جز بلیت‌فروشی، جشنواره موسیقی فجر نه در کوتاه مدت و نه در درازمدت هیچ نقشی در افزایش درآمد‌های یک خواننده و تهیه‌کننده ندارد. تلاشی برای برکردن این خلأ در سالیان اخیر دیده نمی‌شود.

## جوان یا گننام

با اعلام بسته‌ها اجراهای بخش پاپ سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر در دو سانس ساعت ۱۸:۳۰ و ۲۲:۳۰ در هر روز برگزار می‌شود که گروه برادران (آرش و مسیح عدل‌پرور) دو اجرا،

امید حاجیلی و علی یاسینی به ترتیب در سانس نخست و دوم، رضا بهرام دو اجرا، محسن ابراهیم‌زاده دو اجرا، امیرعباس گلاب و گروه ماکان (رهام هادیان و امیر مقاره) به ترتیب در سانس نخست و دوم، آرون افشار دو اجرا، سیروان خسروی دو اجرا و بهنام بانی اول اسفندماه در دو اجرای صحنه می‌روند. در دوره قبلی هم بهنام بانی، شهاب مظفری، امیرعباس گلاب، علیرضا طلیسچی، محسن ابراهیم‌زاده و گروه‌های «هفت»، «پازل بند» و «ماکان بند» در بخش موسیقی پاپ سی و چهارمین جشنواره موسیقی فجر حضور داشتند.

بخشی از این خوانندگان حتما طرفداران خودشان را دارند و سال‌ها ایشان در طول سال پر می‌شود. کسی در روزنامه «فرهنگستان» مخالف استقبال مردم از چهره‌های جوان و شلوغ شدن سال‌ها و همچنین تنوع صداهای مختلف نیست، اما مساله اصلی اینجاست که با نگاهی دقیق به برخی اسامی هنرمندان پاپ در دوره‌های اخیر متوجه حضور ردپای مافیای موسیقی در جشنواره می‌شویم. خوانندگان و مهم‌تر از آنها تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذارانی که هدف‌شان از حضور در جشنواره رسمیت بخشیدن (و نه قانونمند کردن) فعالیت‌شان است. هر خواننده‌ای که اصطلاحاً گل می‌کند ناگهان! در جشنواره موسیقی فجر هم روزها و سانس‌های بیشتری در اختیار می‌گیرد. برای مثال به عملکرد حامد همایون در سال‌های ۹۵ و ۹۸ دقت بیشتری کنید. در سال ۹۵ حداقل در روز متوالی و چهار سانس روی صحنه رفت. در حالی که همایون پیش از آن فقط با قطعه «چتر خیس» مشهور شده بود. اما سه سال بعد و با ظاهر پسن از اتمام قراردادش با تهیه‌کننده، دیگر خبری از او نیست. حتی در سال ۹۷ هم یک سانس از جشنواره به او نمی‌رسد. اگر کارکرد جشنواره موسیقی فجر شبیه به جشنواره فیلم فجر است که باید ویتربینی باشد از آثاری که سال بعدش قرار است پخش شوند. جشنواره موسیقی فجر معجونی است از خوانندگانی که آماده‌اند با قدرت حمایتی بیشتری درآیند. دبیران ۱۲ دوره اخیر بیاینده و تشریح‌کننده که هر کدام چه استراتژی‌ای برای دوره خودشان داشته‌اند و خوانندگان پاپ با چه توجهی و هدفی انتخاب شده‌اند.

خواننده معروف اولویت بوده یا جوانی و کم‌تجربگی‌اش. جشنواره موسیقی حامی خوانندگان است یا نردبانی برای بالا رفتن‌شان؟ اگر اسم جشنواره برای این رویداد در نظر گرفته شده، در همه بخش‌ها، صرفا باید قطعاتی اجرا شود که برای نخستین‌بار نواخته می‌شوند و جشنواره موسیقی فجر همچون جشنواره فیلم فجر محل رونمایی از طیف وسیعی از آثار موسیقی باشد. بدون شک همین شرط ساده که جشنواره موسیقی فجر بستر

چهارشنبه / ۲۳ بهمن / Feb 12	پنجشنبه / ۲۴ بهمن / Feb 13	جمعه / ۲۵ بهمن / Feb 14	شنبه / ۲۶ بهمن / Feb 15	یکشنبه / ۲۷ بهمن / Feb 16	دوشنبه / ۲۸ بهمن / Feb 17	سه‌شنبه / ۲۹ بهمن / Feb 18	چهارشنبه / ۳۰ بهمن / Feb 19	پنجشنبه / ۱ اسفند / Feb 20
برادران (آرش و مسیح عدل‌پرور)	امید حاجیلی	رضا بهرام	محسن ابراهیم‌زاده	امیرعباس گلاب	آرون افشار	سیروان خسروی	محسن یگانه	بهنام بانی
برادران (آرش و مسیح عدل‌پرور)	علی یاسینی	رضا بهرام	محسن ابراهیم‌زاده	گروه ماکان	آرون افشار	سیروان خسروی	محسن یگانه	بهنام بانی

رونمایی از عمده محصولات یک‌ساله موسیقی ایران شود، شور و هیجان و رقابت جدی را به وجود می‌آورد که اکنون شاهدش نیستیم. تبدیل شدن جشنواره موسیقی فجر به یک رویداد استعدادیابی آفت دیگر این جشنواره است. ظاهرا باید خبره‌ترین اساتید موسیقی ایران در کنار پدیده‌های تازه در این صحنه با هم رقابت کنند و تازه‌ترین آثارشان را اجرای کنند و گروهی از خبرگان موسیقی نیز به داوری دربار این آثار بپردازند؛ اما خبری از این نخبه‌ها و فضای رقابتی نیست.

## اعداد و نت‌ها

هرچند امسال دور به جوان‌ها افتاده و کمتر چهره‌های قدیمی‌تر در بخش پاپ وجود دارند اما نگاهی گذرا به این ۱۲ دوره نشان می‌دهد محسن یگانه با حضور در هفت دوره در بخش موسیقی پاپ رکورددار شرکت در جشنواره فجر است. سیروان خسروی با حضور در ۶ دوره پس از محسن یگانه رکورددار بیشترین حضور در این جشنواره را دارد. بهنام بانی، امیرعباس گلاب و امید حاجیلی هر کدام سه دوره و محسن ابراهیم‌زاده و گروه ماکان هر کدام با دو دوره در رده‌های بعدی هستند. نکته جالب اینجاست خوانندگانی مانند آرون افشار، رضا بهرام و علی یاسینی برای اولین بار است که در جشنواره موسیقی فجر روی صحنه خواهند رفت. حاشیه‌هایی مثل پلی‌بک خوانی یا رفتار غیرمعارف با حاضران در کنسرت‌ها از جمله مواردی بوده که در ماه‌های اخیر از برخی از این خوانندگان دیده و شنیده‌ایم. سوال اصلی اینجاست که داوران با چه معیاری این خوانندگان جوان را انتخاب کرده‌اند؟ البته قرار نیست روی مصادیق متمرکز شویم که چرا مثلاً فلانی هست و دیگری نیست اما اگر دلایل فنی مشخصی برای انتخاب‌ها ارائه شود

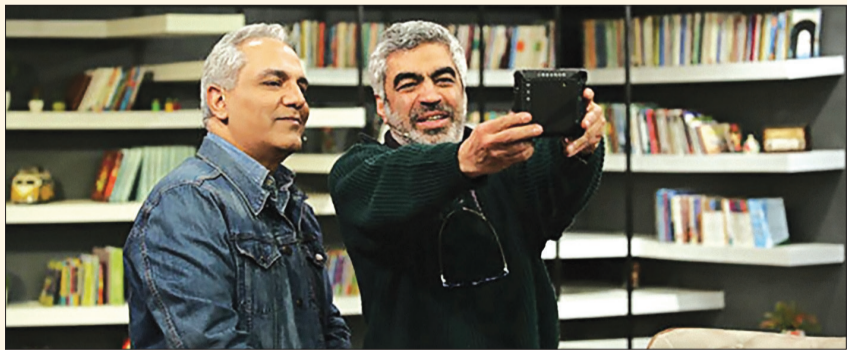


دوره، فریدون آسرابی، مازیار فلاحی، سیروان خسروی، احسان خواجه‌امیری، محسن یگانه، شهرام شکوهی، فرزند فرزین، بابک جهانبخش، بنیامین بهادری، گروه سون و محمد علیزاده روی صحنه رفتند.

سی و یکمین دوره جشنواره موسیقی فجر نیز میزبان مازیار فلاحی، بابک جهانبخش، محسن یگانه، سیروان خسروی، احسان خواجه‌امیری، گروه سون و محمد علیزاده بود. در سی و دومین دوره این رویداد نام محمد علیزاده، محسن یگانه، زانیار خسروی، رضا صادقی، سیامک عباسی، فریدون آسرابی، فرزند فرزین، امید حاجیلی، اشوان، حامد همایون و شهرام شکوهی به‌عنوان افرادی که در بخش پاپ روی صحنه می‌روند، در جدول اجراها آورده شد البته حجت اشرف‌زاده هم در این دوره در بخش تلفیقی جشنواره به اجرا پرداخت. در سی و سومین جشنواره موسیقی فجر هم نام افرادی مانند حامد همایون، بهنام بانی، امیرعباس گلاب، مهدی جهانی، امید حاجیلی، مهدی یراچی، محمد علیزاده، زانیار خسروی، سینا شعبانخانی، علیرضا طلیسچی، علی زندوکیلی، پازل بند و ماکان بند، امید نعمتی و... در جدول اجراها به چشم می‌خورد. «با دقت در این اسامی و میزان ماندگاری آنها در ذهن مردم و تاریخ موسیقی معاصر می‌شود فهمید که کدام خواننده فارغ از جشنواره موسیقی فجر به راهش ادامه داده است و دیگری چرپه کرده‌اند. شاید به‌سختی برخی از اسامی فهرست بالا را کسی به یاد بیاورد اما در جشنواره موسیقی حضور داشته‌اند. نقد اصلی ما هم همینجاست، جایی که جشنواره باید تکلیفش را با مردم و هنرمندان و البته موسیقی روشن کند. سهم مردم از جشنواره موسیقی چقدر است؟ سهم جشنواره موسیقی در تغییر ذائقه مردم چقدر بوده است؟ اساسا جشنواره برای خودش رسالتی در اصلاح ذائقه مردم قائل است یا خیر؟ آیا خوانندگان شهرستانی بدون حمایت پدرخواندگان موسیقی می‌توانند در این جشنواره هنرنمایی کنند؟ سوالات بدون پاسخ زیادی پیرامون جشنواره موسیقی و ماهیتش مطرح است که پاسخگویی و مهم‌تر از آن عمل به آن می‌تواند راهگشا و موثر باشد. آنچه مشخص است اینکه مافیای موسیقی به‌دنبال رسمیت بخشیدن به حضورش با استفاده از جشنواره موسیقی است. ردپای این مافیای را در سال‌های اخیر می‌توان به وضوح دید. باید منتظر بمانیم و ببینیم که آیا مدیران موسیقی هم به چنین ردپایی اعتقاد دارند یا نه؟

## چارسو

### مهران مدیری آخرین میهمان این فصل «کتاب‌باز»



محمد رضا رضائیان، تهیه‌کننده برنامه کتاب‌باز در گفت‌وگو با مهر با اشاره به بخش قسمت‌های پایانی «کتاب‌باز» گفت: «پنج قسمت دیگر از کتاب‌باز باقی مانده و قرار است مهران مدیری در آخرین قسمت از این برنامه حضور پیدا کند. این برنامه چهارشنبه ۳۰ بهمن پخش می‌شود و به‌منظرم مخاطب با وجوه دیگری از مهران مدیری آشنا می‌شود که برایش ناآزگی دارد. مخاطب در این برنامه وجهی از مهران مدیری را می‌بیند که تاکنون ندیده است. به‌منظرم در این برنامه می‌فهمیم که چرا مدیری خواننده است یا چرا طنزپرداز قوی‌ای است و چطور در حوزه‌های مختلف ورود کرده و تقریبا در عموم آنها هم موفق بوده است. در واقع این برنامه نوعی رمزگشایی از توفیقات مهران مدیری به‌وسیله مطالعه است. بازخوردهای این فصل خوب بود و حتی می‌توان گفت بهترین فصل کتاب‌باز بود. بخش‌های مختلفی داشتیم که این فصل به برنامه اضافه شد و کتاب‌باز به پختگی کاملی رسیده بود که توانست ذائقه‌های زیادی را پوشش دهد. سیاست شبکه این است که کتاب‌باز را در نیمه‌ای از سال روی آنتن داشته باشد، پیش از این درباره فصل جدید کتاب‌باز صحبت شده بود و محمد احسانی، مدیر شبکه نسیم اقبال دارد که ادامه یابد. سروس‌صحت هویت کتاب‌باز شده است و باید با او ادامه داد. ما سه فصل با او کار کرده‌ایم و مخاطب به او عادت کرده است. لیلی ندارد مجری برنامه‌ای را که برندی می‌شود دائم تغییر داد چون این برنامه بخشی از زندگی او شده است.»

### آثار برتر مجمع منتقدان سینمای انقلاب



مجمع نویسندگان و منتقدان سینمای انقلاب طبق رسم چندسال اخیر خود با برگزاری یک نظرسنجی از میان منتقدان و روزنامه‌نگاران فرهنگی دست به انتخاب آثار برتر جشنواره سی و هشتم فیلم فجر زده است. جشنواره سی و هشتم فجر برخلاف جشنواره سال گذشته که از حیث تعداد آثار استاندارد که به مرزهای جدیدی از تکنیک و پرودا کشن در سینمای ایران رسیده بودند و می‌توانستند نوید آینده‌ای روشن‌تر را دهند، یک بازگشت به عقب بود. از این منظر جشنواره سی و هشتم مانند سال‌های دورتر، با کمتر از انگشتان یک دست فیلم قابل‌تامل و چندین فیلم ضعیف برگزار شد تا نشان دهد سال گذشته یک استثنا در سیر طبیعی سینمای ایران بوده است.

مهم‌ترین نکته‌ای که در تاریخ از جشنواره سی و هشتم ثبت خواهد شد، ناداوری، عدم اعتماد به نفس و حقارت در مدیریت و درنهایت خطی است که سیاستگذاران فجر از این طریق به سینمای ایران می‌دهند. جشنواره فیلم فجر، به‌عنوان جشنواره‌ای دولتی که همچنان مهم‌ترین و موثرترین رویداد در سینمای انقلاب اسلامی است، به تهیه‌کنندگانی مانند سعید ملک‌ان می‌گوید اگر یک فیلم تلخ اجتماعی مانند «ابد و یک روز» بسازند، سیمرغ باران می‌شوند

و اگر سراسر مضامین ملی و ژانرهایی بسیار با اهمیت‌تر برونند، دست‌شان از تمام جوایز اصلی کوتاه خواهد ماند. جشنواره فجر انقلاب به کارگردانان جوانی مانند امیرعباس ربیعی اعلام می‌کند حتی با وجود ساخت فیلمی که از منظر ساختاری و سینمایی با هر نگاهی جزء چند فیلم برتر جشنواره است به دلیل ورود به حوزه موضوع‌های ملتهب تاریخ انقلاب راهی به بخش اصلی جشنواره ندارند و اگر می‌خواهند در فستیوال دیده شوند، بهتر است سراغ ساخت فیلم‌های اجتماعی بی‌مخاطب برونند. این البته تأیید پیش‌بینی خود فیلم هم هست؛ «لباس شخصی»های فرهنگی همچنان مشغول کارند. جشنواره فجر به فیلمسازان جوانی مانند نیما جاویدی اعلام می‌کند اگر با فیلمنامه درخشان «سرخوست» به‌صورت مستقل در جشنواره باشند، جایزه‌ای نخواهند گرفت اما اگر با متنی به مراتب ضعیف‌تر اما در رکاب یکی از پدرخوانده‌ها و رانت‌داران سینما به جشنواره بیایند به راحتی سیمرغ را به خانه خواهند برد و به کارگردانانی مانند محمدحسین مهدویان نشان می‌دهد کارگردانی درخشان‌ش در «ماجرای نیمروز»ها و «ایستاده در غبار» به راحتی نادیده گرفته خواهد شد و برای بردن سیمرغ لازم است با فیلمی با مضمون «درخت گردو» در جشنواره حاضر شود. و از همه مهم‌تر جشنواره فیلم فجر به بازیگرانی مانند جواد عزتی، هادی حجازی‌فر، شهاب حسینی، امیر جدیدی و... می‌گوید هرچه قدر نجیبانه‌تر رفتار کنند، هرچقدر از مواضع سیاسی ضدسیستم دوری بکنند و هرچقدر دهن کجی کمتری به قوانین کنند، به همان میزان کمتر به حق‌شان خواهند رسید. مدیران فرهنگی ما همواره در پی «دفع» سربه‌زیرها و «جذب» کسانی هستند که به آنها توهین می‌کنند، حتی اگر از هنر کمتری برخوردار باشند. با این وجود اما تاریخ ثابت خواهد کرد که چه فیلم‌ها و فیلمسازان و نقش‌ها و هنرپیشه‌هایی در تاریخ ماندگار خواهند شد. در تاریخ البته نام کسانی که سال‌ها سکان مدیریت فرهنگی را در دست داشتند و همواره عضو تمام شوراهای سیاستگذار و داوری و... بودند و مسبب وضعیت امروزند نیز ثبت خواهد بود. چهره‌هایی مانند محمد احسانی، حسن خجسته، حسین کریمی، رضا پورحسین و علیرضا رضاداد و جوان‌ترهایی مانند ابراهیم داروغه‌زاده و محمد مهدی طباطبایی نژاد و امثال آنها که عموماً کارمندان تلویزیون به‌عنوان رسمی‌ترین رسانه حکومتند، اما حقارت فرهنگی را در جمهوری اسلامی تئوریزه و اجرا می‌کنند.